

نام نیکو بماند ز آدمی      به کز و ماند سرای زرنگار

-اگر از انسان نام خوب یا خاطره ی خوب به جا بماند بهتر است از این است  
که ثروتش و یا طلایش باقی بماند.

### سعدی:

از بزرگترین شاعران و نویسندگان ایران است. آموزش های مقدماتی را در  
زادگاه خود شیراز فرا گرفت. برای اتمام تحصیلات به بغداد-از مراکز بزرگ  
علمی عصر خود-رفت. پس از 35 سال به شیراز برگشت. بوستان به شعر و  
گلستان به نثر همراه با شعر و دیوان اشعار از او به جای مانده است.  
مجموعه ی این آثار "کلیات سعدی" نامیده می شود.

### لغات درس هشتم:

ارادت: دوستی از روی اعتقاد و ایمان، میل	ساقی: آب دهنده
انیس: همدم، انس گیرنده	شاهد: زیباروی، یار، معشوق
حکمت: دانش و معرفت	شیوع: فاش شدن، آشکار شدن، همه گیر شدن
حلاوت: شیرینی	صدراعظم: نخست وزیر
ذکاوت: تیزهوشی	فلسفه: علم به حقایق موجودات به اندازه ی توانایی بشر
رسا: بلند، رسنده، کلام شیوا	لیاقت: شایستگی
رمیده: رم کرده، ترسیده و گریخته	مکت: درنگ

نامدار، نامی: مشهور، معروف

هلهله: فریاد شادی

### صفت بیانی:

صفت بیانی کلمه ای است که درباره ی چگونگی و ویژگی های اسم، توضیحاتی را بیان می کند و معمولا پس از اسم می آید و "وابسته ی پسین" به شمار می آید.

### انواع وابسته های پسین:

- "ی" نشانه ی نکره کتابی خریدم

- نشانه های جمع دوستان، کتابها

- صفت شمارشی ترتیبی "همراه با پسوند -م" کتاب چهارم

- صفت تفضیلی دوست بهتر

- مضاف الیه کتاب درس، دفتر ریاضی

- صفت بیانی کتاب سودمند، دفتر بزرگ

### انواع صفت های بیانی:

الف- فاعلی :

1- بن مضارع + نده = خورنده، بیننده، سازنده و ...

2- بن مضارع + آ = بینا، شنوا، دانا، توانا، رسانا و ...

3- بن مضارع + ان = خندان، دوان، سوزان، گریان و ...

صفت بیانی ساده --> کوتاه، بلند، روشن، تاریک و ...

ب- مفعولی: بن ماضی +ه= خورده، شکسته، سوخته و ...

ج- لیاقت: مصدر +ی= خوردنی، دیدنی و ...

د- نسبی: اسم +ی= زمینی، آسمانی، خاکی، قائم شهری، بروجردی و ...

## آرایه های درس 8:

به حلاوت خوردن چیزی: باکمال اشتیاق چیزی را خوردن

درد بردن: تحمل درد

شکستن سکوت: کنایه از مهمه شدن

یک نفس طی کردن مسیری: کنایه از بسیار سریع

دست و پا شکسته بودن --> کنایه از ناقص بودن

کاغذ ذهن --> تشبیه بلیغ \*

قلک ذهنش --> اضافه ی تشبیهی

باغ، طراوت، سرسبزی، برگ های سبز --> مراعات النظیر

از گوشه ی چشم نگاه کردن --> کنایه از یواشکی و با خجالت نگاه کردن

ماه مجلس شدن --> کنایه از

محبوب شدن، عزیز شدن در یک جمع

---

لب گزیدن-->کنایه از خود را وادار به سکوت کردن

پشتکار-->مرکب

خدمات-->جمع خدمت

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد      دل رمیده ی ما را انیس و مونس شد

ستاره ای: استعاره از یک فرد محبوب

بدرخشید: خودش را نشان داد، ظاهر شد

انیس و مونس-->مراعات النظیر(آرایه ی اشتقاق هم دارد-->از یک ریشه)

را-->"را"فک اضافه

رمیده:صفت مفعولی(از مصدر رمیدن)

---

معنی:

نگاه تاسف بار=نگاهی با تاسف

وجد=شادی

صدر=بالا

اعظم=بلند مرتبه

منشا=محل پیدایش،اصل

از قضا=اتفاقاً

## فرهاد حسن زاده:

در آبادان به دنیا آمد و اکنون در تهران ساکن است. در هفته نامه ی "دوچرخه" (ضمیمه ی نوجوان روزنامه ی همشهری) مسئول صفحه های ادبیات است و طنز و از اعضای هیئت موسس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است.

## امیرکبیر:

وی از بزرگترین مردان سیاسی دوره ی قاجاریه است. پدرش آشپز قائم مقام بود و میرزا تقی خان نیز در خاندان قائم مقام تربیت یافت و در جوانی وارد دستگاه ولیعهد تبریز شد. پس از چندی سرپرستی ولیعهد به او سپرده شد. در تهران به صدراعظمی ناصرالدین شاه رسید. با اصلاحاتی که انجام داد، مخالفان او از پای نشستند تا شاه را به برکناری او و تبعید وی به کاشان و صدور حکم قتل او وادار کردند.

## محمود حکیمی:

حکیمی از جمله نویسندگان و پژوهشگرانی است که عمر خود را وقف پژوهش و مطالعه در حوزه معارف اهل بیت کرده است. از آثار او میتوان به: زندگانی حضرت زینب، سیرت و شخصیت حضرت محمد (ص)، زندگانی حضرت امام حسین (ع)، داستان های آموزنده برای کودکان، آموزش کودکان نابینا، حس ششم اشاره کرد. همچنین در حوزه ی داستان، "وجدان، به سوی ساحل، و پیام آور محبت" از آثار اوست.

معنی بیت (این بیت دو معنی دارد):

1- در زندگی این جهانی خودم شادم به این دلیل که کل هستی سربلند و سرزنده به قدرت خداوند است .

2- به خاطر کسی شادم که تمام دنیا به خاطر او شاد هستند.

«به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست  
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست»

با کمال میل مشکلاتی که برایم پیش آمده را تحمل می کنم چون می دانم که کسی این مشکلات را برایم ایجاد کرده که من عاشقشم و درمان هم در اختیار و قدرت اوست.

به خلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است  
به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست»

## درس نهم:

مفهوم کل این درس --> اثر هنر که جادویی است بر جسم و روح و روان.

## واژگان درس نهم:

سرداران : فرماندهان      دلیرانه: شجاعانه      می‌لغزید: سُر می‌خورد

1- ای هُدْهِدِ صبا! به صبا می‌فرستم      بنگر که از کُجا به کجا  
می‌فرستم

هدهد: پرنده ی شانه به سر      صبا: بادی خنک که از جانب شمال شرقی  
می‌وزد.      سبا : نام سرزمینی است

هدهد صبا: اضافه‌ی تشبیهی      بین صبا و سبا آرایه ی جناس هست

این بیت تلمیح دارد:

1- به داستان حضرت سلیمان(ع) 2- به آیه ی اذهب بکتابنا هذا(سوره ی نمل)

معنی : ای پیام آور صبحگاهی! تو را به سرزمین سبا می‌فرستم. نگاه کن که تو را  
به کجا می‌فرستم!؟

2- حیف است طایری چو تو در خاکدان غم      زین جا به آشیانِ وفا می‌فرستم

حیف: ستم، ظلم      طایر: پرنده      خاکدان غم: زمین غم‌آلود

معنی: ستم زیادی است که پرنده ای مانند تو در این زمین غم آلود گرفتار باشد.  
از این جا تو را به آشیانه ی مهربانی و محبت می فرستم.

\*در اینجا طایر استعاره از روح است که در عالم مادی اسیر است و جایگاه اصلی او نزد خداوند است.

### دونامه

/ استعمال = استفاده کردن ، به کار بردن

/ تنگنا = سختی ، دشواری

/ توطئه = نقشه کشیدن برای نابودی کسی یا چیزی، حيله

/ خاکدان = محل ریختن خاک روبه ، در اینجا مقصود از این جهان است

/ سبا = نام سرزمینی در عربستان که ملکه ای قدرتمند به نام بلقیس داشت

/ سحر آمیز = فریبنده ، آمیخته به جادو

/ صبا = باد خنکی که از شمال شرقی می وزد

/ طایر = پرنده ، پرواز کننده

/ مرجع تقلید = مجتهدی که در مسائل دینی از او پیروی کنند

/ منزلت = شان ، درجه ، مقام



/ نیرنگ = سحر ، جادو

/ هد هد = شانه بسر ، یکی از پرندگان حضرت سلیمان .

/ استعمال=استفاده کردن

/تحریم کند=حرام کند

/فتوا=حکمی که علمای دین می دهند

استعمار = آبادانی خواستن ، در مفهوم سیاسی به معنی تسلط کشور قدرتمند بر کشور ضعیف تر برای غارت منابع آن کشور است

تقلید: پیروی

در حکم: مانند

محاربه: جنگ

نیرنگ: حيله

اليوم: امروز ، هم اکنون

دستور زبان:

آرام و قرار-->مفعول

## آرایه های دو نامه:

مصر، افغانستان، هند، استانبول -- مسند

## آرایه ی جناس:

واژه هایی که دارای حروف مشترک از یک جنس هستند و در یک حرف یا حرکت اختلاف دارد "جناس" نامیده می شوند.

جناس 2 نوع است:

1- جناس تام

2- جناس ناقص

(1) جناس تام:

دو واژه از نظر ظاهر، املا و تلفظ یکسان هستند. اما معنی آن ها متفاوت است.

(2) جناس ناقص:

دو واژه از نظر برخی حروف مشترک هستند و اما از نظر یک حرف یا حرکت اختلاف دارند.

انواع جناس ناقص:

1- حرکتی: دو کلمه در ظاهر فقط در حرکات با هم فرق دارند.

2- اختلافی: دو کلمه فقط در یک حرف با هم تفاوت دارند.

3-افزایشی: دو کلمه شبیه به هم هستند اما یکی از آن ها، فقط یک حرف از دیگری بیشتر دارد.

### کمال الدین بهزاد:

نقاش و مینیاتورساز مشهور اواخر عهد تیموری و اوایل دوره صفوی؛ لقب وی کمال الدین و از مردم هرات و شاگرد سید احمد تبریزی بود. شاه طهماسب نزد اول نزد بهزاد نقاشی می آموخته است.

### سید جمال اسد آبادی:

مردی آزادی خواهو دارای افکار و عقاید فلسفی، سیاسی، اجتماعی و طرفدار استقرار آزادی در کشورهای شرقی و ایجاد وحدت میان مسلمانان و تشکیل اتحادیه ی دولتهای اسلامی بود. وی همه ی عمر خود را در مبارزه با استبداد پادشاهان ایران، عثمانی، مصر و سیاست استعماری انگلستان سپری کرد و پیوسته به شرق و غرب سفر می کرد. در پاریس روزنامه ی عروء الوثقی را منتشر کرد و به سیاست انگلستان در شرق حمله کرد. وی در سال 1314 هجری قمری در استانبول مسموم شد.

### میرزا شیرازی:

از علمای عالی قدر شیعه، مرجع بزرگ تقلید، بنیان گذار مکتب سامرا و مبارزه نستوه، در شیراز به دنیا آمد و برای تحصیل به اصفهان رفت. سپس به عتبات عالیات رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری به تحصیل پرداخت. او در زمان ناصر

الدین شاه قاجار برای مبارزه با استعمار انگلیس، با فتوای مدبرانه ی خود، مصرف تنباکو را تحریم کرد. مدتی در سامرا به تدریس و تعلیم مشغول بود تا اینکه در سال 1312 هجری قمری بدرود حیات گفت و پیکر مطهرش در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

**ابوالقاسم قشیری:**

یکی از عارفان معروف قرن پنجم هجری که کتاب "رساله ی قشیریّه" در شرح اصطلاحات و معرفی مشایخ عرفانی از آثار اوست.

**آملی حسن زاده:**

استاد غلامه حسن حسن زاده آملی، از عالمان برجسته ی جهان اسلام است که در سال 1307 خورشیدی در یکی از روستاهای لاریجان آمل به دنیا آمد. وی پس از طیّ مراحل تحصیل و کسب علوم دینی و معارف اسلامی و فضایل علمی و معنوی، به مدارج عالی در ریاضیات و نجوم نیز دست یافت .

واژگان حکایت نام خوش بو:

اندر:در

پروردن:رشد دادن

حرمت نهادی:احترام گذاشتی

حرمت:احترام،عزت

رستن:آزاد شدن

عارف:خداشناس،دانا،حکیم ربّانی،صبور

معطر:خوش بود

نام تو معطر گردانیم:تو را نیک نام کردیم(کنایه)

ندا:صدا

آرایه ها:

ای دوست = ای --> حرف ندا      دوست --> منادا

دستور زبان:

پروردگار:مشتق

رهگذران:مركب

درس دهم:

واژگان درس دهم:

اھریمن: دشمن

تازش: حمله

حبّ وطن: میهن دوستی، عشق به سرزمین

خیل: گروه، دسته

رنگ نباخت: نترسید (کنایه)

زیور: زیبایی، زینت

عرصه: میدان، قلمرو

گزند: آسیب، صدمه

مأوا: پناھگاه، جایگاه، جای امن

## معنی شعر ای وطن:

بیت اول: ای وطن تو برای جسم و جان ما پناهگاه امن و آرامی هستی.

بیت دوم: ای وطن تو به منزله نور برای چشمانمان و جان برای تن ما هستی.

بیت سوم: سخنی به تو می گویم که اگر گوش کنی همیشه شاد و سرزنده خواهی ماند.

بیت چهارم: انسانی که محبت هفت چیز (بیت بعد) را در دل نداشته باشد او را پست تر و بی ارزش تر از شیطان به حساب بیاور.

بیت پنجم: علاقه به شرف و آبرو، زندگی، دین، خانواده، ثروت و سرزمین

بیت ششم: به اعتقاد من کسی که از صمیم دل وطنش را دوست نداشته باشد بمیرد بهتر است.

## ادیب الممالک فراهانی:

میرزا محمدصادق امیری، معروف به ادیب الممالک، شاعر و روزنامه نگار عصر مشروطه بود. وی در سال ۱۲۷۷ هـ.ق، در فراهان اراک زاده شد. پس از مهارت و شهرت در شاعری، مظفرالدین شاه به او لقب ادیب الممالک داد.

واژگان شعر خوانی ای وطن من:

اقیانوس مواج: اقیانوس پر از موج

پوپک: هدهد، شانه به سر

خوف: ترس، بیم

رویین تن: آن که بدنی نیرومند دارد و ضربه ی اسلحه بر او اثر ندارد.

شکوهمند: جلیل

شمایل: چهره، شکل

غایت: نهایت

فروتن: متواضع، افتاده

متواضع: فروتن

مجمع الجزایر: مجموعه ای از چند جزیره که در کنار یکدیگر قرار گرفتند.

مواج: پر موج و متلاطم، خودشان

سلمان هراتی:

مهم ترین آثار او عبارتند از: «از این ستاره تا آن ستاره»، «از آسمان سبز»، «دری به

خانه ی خورشید».



آرایه های شعر:

آفتاب شمایل: زیبا

دریا دل: کنایه از صبور بودن

که نام خیابان هایت را شهیدان برگزیده اند: کنایه از انبوه شهدایی که وطن ما داده و اشاره به اینکه شهیدان هنوز زنده اند.

ای فروتن نیرومند: ای کشوری که در عین حال بسیار توانا بودی ولی اصلاً متکبر نبودی.

تبر: استعاره

ایستادیم در کنار تو: کنایه از در پناه بودن از کسی یا چیزی

سربلند: کنایه از مفتخر

سبز: نماد شکوفایی و شادی

از کسی برگشتن: کنایه از ترک کردن کسی

کجای زمین از تو عاشق تر است؟: استفهام انکاری

مرگ، زندگی: پارادوکس

خدا چقدر مهربانی اش را وسعت داد: اشاره به داستان و اتفاق طوفان شن

ای رویین تن متواضع، ای متواضع رویین تن: طرد و عکس

ای رویین تن متواضع: رویین تن = صفت بیانی نسبی

صبح صادق، قدرت کاذب شکست رسته های دام اهریمن گسست

صبح واقعی طلوع کرد و قدرت و شکوه صبح کاذب (رژیم شاهنشاهی) را در هم شکست و تار و پود دام شیطان (شاه پهلوی) را پاره و نابود کرد.

**درس یازدهم:**

**معنی کلی بیت ها:**

- از علی (ع) پاکی نیت و کردار را بیاموز و بدان که شیر خدا ( اشاره به لقب <<اسدالله >> از لقب حضرت علی (ع) از هر گونه ناراستی و فریب کاری پاک است.

- در جنگی با پهلوانی روبه رو شد ، با سرعت شمشیرش را بیرون کشید و با شتاب به سویه او دوید.

- آن مرد ، آب دهانش را بر صورت حضرت علی (ع) که افتخار انبیا و اولیای خدا بود ، انداخت.

- علی (ع) فوراً شمشیرش را انداخت و در جنگیدنش درنگ کرد.

- آن مرد جنگجو از این رفتار علی (ع) و بخشش و مهربانی خلاف انتظارش حیرت زده شد.

- جنگجو گفت : شمشیر تیزت را برابر من بالا برده بودی ، چرا آن را انداختی و من را رها کردی؟

-علی(ع) گفت : من برای خدا شمشیر میزنم و بنده ی خدا هستم نه بنده ی جسم و هوس های آن.

-من شیر خدا هستم و شیر هوس های انسانی ( در اینجا : خشم ) نیستم و رفتار من شاهد و گواه دین و عقیده ی من است.

- و سوسه ی خشم و شهوت و حرص ، آن کسی را که دیندار نیست ، از راه به در می کند

-وقتی پای چیزی به غیر از خدا ( یعنی خشم که صفت انسانی هست ) به میان آمد ، سزاوارتر است که شمشیرش را پنهان کنم . (یعنی وقتی دیدم در آن لحظه فقط بخاطر تلافی و خشم می خواهم شمشیر را برتن تو فرود بیاورم و نه بخاطر خدا ، دیدم بهتر است آن را پنهان کنم و دست از جنک بکشم.

### واژگان درس یازدهم:

اخلاص: پاکی نیت، عقیده ی پاک داشتن

از پی: برای، به خاطر

آز: طمع، حرص، زیاده خواهی

تیغ: شمشیر

خدو: آب دهان

در زمان: فوراً، آنی

دغل: فریبکاری، مکر و حيله، ناراستی

عفو: بخشش

غزا: جنگ

فعل: کار

کاهلی: تنبلی، سستی

گوا: گواه، دلیل، شاهد

منزه: پاک، بی عیب

نبی: پیامبر

ولی: سرپرست، دوستدار؛ یاری دهنده

تنم: خودم

هوا: هوس

\*قالب این شعر مثنوی است.

آرایه ها و دستور زبان:

تیغ افراشتن بر کسی: کنایه از قصد کشتن کسی را داشتن

اهل نماز بودن: کنایه از دین دار بودن

شیر حق:

شیر-->نماد قدرت

\*استعاره از حضرت علی «ع» است.

گشت حیران آن مبارز، زین عمل

وز نمودن عفو و رحم بی محل

گشت: فعل

حیران: مسند

آن مبارز: نهاد

بی محل: بی موقع

---

شیر حَقْم: تشبیه مشبه: من مشبه به: شیر حق

**حمید سبزواری:**

حسین ممتنهی متخلص به حمید سبزواری از شاعران خوش نام انقلاب به بیشتر

سروده های او مربوط به فضای انقلاب است از آثار او می توان به «سرود

سپیده» و «سرود درد» اشاره کرد.

**مولوی:**

از شاعران و عارفان بزرگ ایران در قرن هفتم است آثار گران قدر او عبارتند از

: "مثنوی معنوی، دیوان شمس، فیه مافیه، مکتوبات و مجالس سبعه.

واژگان حکایت خود شناسی:

ان شاء الله: اگر خدا بخواهد

به اتفاق: اتفاقاً

حاجت: نیاز

حیلت: فریب و نیرنگ

خجل وار: خجالت زاده، شرمگین

خز فروشان: بازار پوستین فروشان

خز: نوعی جانور مانند سمور که از پوست آن لباس تهیه می کنند.

خلل: آسیب، تواهی

درم: درهم، پول نقره

زر: طلا

طرّار: دزد

موضع: جایگاه، محل

می شوم: میروم

هان: آگاه باش

## آرایه های حکایت:

مردی در راهی: "ی" های هر دو وابسته ی نکره

به اتفاق: قید

\*منصور سمعانی از عارفان و نویسندگان قرن ششم است.

\*روح الارواح با نثر شیوا و ساده به شرح و توضیح نام های خداوند پرداخته است.

درس دوازدهم:

واژگان درس دوازدهم:

انسجام: ارتباط و پیوستگی

ایثار: فداکاری، دیگری را بر خود ترجیح دادن

آرمان: آرزو، امید

بسیج: آمادگی

تلخیص: خلاصه کردن، چکیده، کوتاه کردن

جلوه گر: نمایان

حماسه: شجاعت، دلیری

رادمردی: جوانمردی

رشادت: دلیری

زایا: زاینده، آفریننده، خلاق

صفا: پاکی، پاکیزگی، خلوص، پاکدلی

فضیلت: برتری، پاکیزگی

قیام: به پا خواستن، برخواستن، خیزش

کرامت: بزرگواری، جوانمردی

معیار: اندازه، وسیله ای که با آن چیزی را بسنجند

منش: خوی، عادت

ولایت: رهبری دینی، سرپرستی

آرایه ها و دستور زبان:

یک پارچگی: مشتق مرکب

درخشش: مشتق

ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات: طرد و عکس



## کنایه:

هرگاه بخواهیم درباره ی مطلبی ، به طور غیر مستقیم صحبت کنیم و درباره ی امری پوشیده سخن بگوییم، از «کنایه» بهره می گیریم. کنایه سخنی است که دو مفهوم دور و نزدیک دارد و مقصود نویسنده یا گوینده، معنای دور آن است.

## درس سیزدهم:

### واژگان درس سیزدهم:

بحر: دریا

تف: گرما و حرارت

دوات: مرکب دان

دیده: چشم

رقم کردن: نوشتن

شط: رود بزرگ

عطش: تشنگی

عطشان: تشنه، دارای عطش

غرقه: در آب فرو رفته

فتد: مخفف افتد

کام:دهان،قسمتی از دهان

کلک:نی،قلم نی

تف دل:داغ دل

آل احمد همه عطشان ز بزرگ و کوچک نسل حیدر همه از اکبر و اصغر تشنه

خانواده ی پیامبر همه از بزرگ و کوچک تشنه بودند و فرزندان حضرت علی

«ع» از بزرگ و کوچک همه تشنه بودند.

برد عباس جوان،ره چو سوی آب فرات

مانده بر یاد حسین تا صفِ محشر تشنه؟

عباس بالاخره توانست برسد به رود فرات .

آرایه ها:

داغ دل:کنایه از افسوس زیاد

\*قالب این شعر قصیده است.

## ردیف:

واژه هایی که از نظر معنا، املا و تلفظ عیناً مثل هم هستند و در پایان 2 مصراع می آیند.

ردیف علاوه بر آنکه نقش مهمی در افزایش موسیقی شعر دارد در کامل کردن معنای هربیت و انتقال پیام نهایی آن نیز موثر است.

کاربرد هنری ردیف سبب زیبایی، گیرایی و گوش نوازی شعر می شود و بر بار عاطفی و احساس کلام گوینده می افزاید.

\*وجود ردیف اختیاری است.

چو ایران نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد

وقتی ایران وطن من وجود نداشته باشد الهی تن و جان من نیز وجود نداشته باشد و در این سرزمین حتی یک نفر هم زنده نباشد.

### فردوسی:

ابوالقاسم فردوسی شاعر بزرگ حماسه سرای ایران در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری می زیست. اثر عظیمش شاهنامه است که بیش از 30 سال برای سرودن آن رنج برد.

ماه روشنی اش را در سراسر آسمان می پراکند

و لکه های سیاهش را برای خود نگه می دارد

انسان های ایثار گر و از خود گذشته (ماه) روشنایی (کار خوب و خدمت رسانی را) برای همه ی انسان ها تقدیم می کنند و سختی ها و مشکلات (لکه های سیاه) را برای خود نگه می دارند.

### درس شانزدهم:

### واژگان درس شانزدهم:

بشارت:مژده

بعثت:برانگیخته شدن پیامبر(ص) از جانب خدا برای هدایت مردم

بیم:ترس

پرفروغ:روشن و تابان

خیرگی:حیرت

رخساره:چهره

زیتون:نام درختی-نماد صلح و آشتی و نشان کشور فلسطین

سرکشی:نافرمانی

سنگدل:بی رحم

صدرالمتنهی:درختی در آسمان هفتم که در سوره ی نجم از آن یاد شده

\*محمود درویش از بزرگترین شاعران معاصر عرب است که شعرش ( با انقلاب،مبارزه و پایداری،پیوندی آشکار دارد.

مهم ترین درون مایه های اصلی شهر محمود درویش عشق به سرزمین فلسطین و استقلال آن است.

**نزار قبّانی:**

از بزرگترین شاعران و نویسندگان عرب، متولد شهر دمشق سوریه است .

او به زبان های فرانسوی،انگلیسی و اسپانیایی مسلط بود . سروده های او سرشار از عشق و عاطفه و انسانیت است.

درس هفدهم:

واژگان درس هفدهم:

اعمال افعال: جمع عمل و فعل

افعال: کارها

برکات: جمع برکت

برکات: خیر و نیکی

پاس داشتن: نگاه داشتن

پر خوف: ترسناک

تعَلَل: بهانه آوردن

توکل: کار خود را به خدا واگذر کردن

جذر: پایین آمدن آب دریا

عجول: شتابان

غنیمت شمردن: مناسب دانستن، بهره بردن

فرط: شدت، زیاده روی

کائنات: موجودات

متانت: وقار، استوار بودن

محال: غیر ممکن

مد: بالا آمدن آب دریا

مسرور: شاد

منحرف: کج شده از راه راست

ندامت: پشیمانی، تأسف

آرایه ها:

کشتی زندگانی: اضافه ی تشبیهی

جزر و مد: تضاد

بسا: "الف" کسرت

دریا: استعاره از دریای زندگی

روزگار چون باد و ابر: تشبیه

بار غم: اضافه ی تشبیهی

سرد و گرم روزگار: کنایه از سختی روزگار، تضاد

\*اضافه ی اقترانی: مضاف الیه نشانه دهنده ی حالتی از مضاف باشد. مانند

انگشت ندامت

واژگان نیایش:

بنما: از نمودن می آید

به ذکر خود بلند آوازه ام کن : به نام مشهور خودت مرا به جهان معرفی کن

خیرالبشر: شفاعت کننده، خواهش گر

شفیع: شفاعت کننده، خواهش گر

غفلت: بی خبری و نا آگاهی

کوی: کوچه، محله

محرم: رازدار و از نظر خویشاوندی بسیار نزدیک

مرحمت: مهربانی، لطف

آرایه ها:

نگاه به سمت کسی کردن: کنایه از توجه کردن، لطف داشتن

چشم مرحمت: اضافه ی اقترانی

وحشی بافقی:

کمال الدین وحشی بافقی در اواخر عهد شاه اسماعیل اول صفوی در قصبه ی بافق یزد متولد شد. آثار وحشی بافقی (فرهاد و شیرین، ناظر و منظور، خلد برین) است.